

بازنمایی اجتماعیات در ادبیات کردی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۰

حسین محمدزاده^۱

استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

چکیده

کورتیه

مه‌به‌ست له‌م وتاره، لیکدانه‌وه‌ی نواندنه‌وه‌ی بابه‌تگه‌لی کۆمه‌لایه‌تییه له‌ئه‌ده‌بی کوردیدا. ئە‌ده‌بی کوردی کۆمه‌له‌ییکی په‌رته‌وازه‌یه که به دوو شیوه‌ی شیعر و په‌خش‌شان به دوو به‌شی نووسراو و زاره‌کی دابه‌ش ده‌کریت. بنه‌ما تیۆریکه‌کانی ئە‌م لیکدانه‌وه‌یه ده‌گه‌رپتسه‌وه‌ بوۆ باسی نواندنه‌وه‌ و ئە‌و بابه‌ته‌ پره‌ژهمارانه‌ی که له‌ بواری کۆمه‌لناسی ئە‌ده‌بدایه. له‌م لیکۆلینه‌وه‌دا له‌ میتۆدی به‌لگه‌مه‌ند و شیوه‌ی نمونه‌هینانه‌وه‌ که‌لک وه‌رگیراوه‌ که شه‌ش به‌ره‌مه‌ی ئە‌ده‌بی کوردی له‌ دوو به‌شی نووسراو و تیۆریک بوۆ توپژینه‌وه‌ هه‌لبژێردراون. لیکه‌وته‌کانی ئە‌م توپژینه‌وه‌یه پیشان ده‌دات که میژووی کۆمه‌لایه‌تی و باس و کیشه‌کانی له‌ هه‌ر دوو به‌شی نووسراو و زاره‌کیدا به‌ شیوه‌یه‌کی به‌ربلاو خراوه‌ته‌ به‌رچاو و له‌م ریگایه‌وه‌ که ده‌توانین به‌شیک له‌ میژوو و جفاک لیک‌بده‌ینه‌وه‌ و چۆ بکه‌ینه‌وه‌.

هدف این مقاله بررسی بازنمایی موضوعات اجتماعی در ادبیات کردی است. ادبیات کردی مجموعه‌ای پراکنده در دو قالب نظم و نثر می‌باشد که در دو بخش کتبی و شفاهی قابل تقسیم بندی است. مبانی نظری این مطالعه ریشه در مبحث بازنمایی و مباحث متکثری است که در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات جریان دارد. در این تحقیق از روش اسنادی و شیوه نمونه‌گیری نظری است که طی آن شش اثر ادب کردی از هر دو بخش کتبی و نظری برای مطالعه انتخاب شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تاریخ اجتماعی و مسائل و مشکلات آن در هر دو بخش کتبی و شفاهی در سطحی وسیع بازنمایی شده است و از همین راه است که بخشی از تاریخ و اجتماع را می‌توان بازخوانی و بازسازی کرد.

کلیدواژه‌ها: اجتماعیات، ادبیات کردی،

ادبیات شفاهی، ادبیات کتبی

و شه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: کۆمه‌لگا، ئە‌ده‌بی کوردی، ئە‌ده‌بی زاره‌کی، ئە‌ده‌بی نووسراو.

۱- مقدمه

هیچ جامعه‌ای بدون ادبیات نیست و هیچ ادیبانی در خلاء اجتماعی خلق نمی‌شود. جامعه‌شناسی ادبیات یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی است که به مطالعه تاثیر و تاثر اجتماع بر ادبیات و پذیرش ادبیات در جامعه می‌پردازد. اجتماعات در ادبیات مفهومی است که در ایران بیشتر به جای جامعه‌شناسی ادبیات متداول گشته است (ارشاد، ۱۳۹۱: ۱۱). هرچند این مفهوم در این معنا نارس بوده و به همین خاطر یوسفیان آن را یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی ادبیات به حساب می‌آورد (یوسفیان، ۱۳۷۸). جامعه‌شناسی یکی از رشته‌های مدرن علوم انسانی است که به «مطالعه زندگی اجتماعی، گروه‌ها و جوامع انسانی می‌پردازد» (گیدنز، ۱۳۷۴: ۱۰). لوکاچ که رابطه‌ای میان ادبیات و جامعه‌شناسی دیالکتیکی تعریف می‌کند، بر این باور است که «ادبیات را هرگز نباید جدای از فرایند تکاملی زندگی در نظر گرفت» (لوکاچ، ۱۳۷۳: ۱۳۷). جامعه‌شناسی ادبیات یکی از جوانترین رشته‌های جامعه‌شناسی است که به رابطه و تاثیر و تاثر جامعه بر ادبیات و ادبیات بر جامعه می‌پردازد، اسکارپیت «جامعه‌شناسی ادبیات را مطالعه میان آفرینش‌گران (نویسنده، شاعر... آثار (کتاب، شعر، تئاتر) و مردم (مصرف‌کنندگان) معنا می‌کند» (اسکارپیت، ۱۳۷۴: ۹). مباحث زیادی حول جامعه‌شناسی ادیبان و گرایش‌های آن در جریان است اما هدف این مطالعه بررسی بازنمایی موضوعات اجتماعی در ادبیات کردی است. ادبیات کردی که پیشینه‌ای عظیم از نظم و نثر در دل خویش نهفته دارد کمتر از نگاه علوم اجتماعی جدید مورد کنکاش و واکاوی قرار گرفته است. با توجه به این امر که تاریخ اجتماعی و مسایل عدیده اجتماعی آن کمتر چاپ شده است و بحث‌های جدید مسیرسختی را می‌آزمایند پرسش این تحقیق این است که آیا امکان بازنمایی اجتماعیات در ادبیات کردی امکان‌پذیر است؟ و اگر هست کم و کیف این بازنمایی چگونه است؟

۲- جامعه‌گردی

با این تعریف مقدماتی برای بررسی اجتماعیات در ادبیات کردی لازم است هرچند بصورت مختصر خصوصیات فرهنگی و ادبی این جامعه بیان شود. کردها مردمانی هستند آریایی که امروزه در میان کشورهای ایران و عراق و ترکیه و سوریه و بخشی

از ارمنستان و آذربایجان سکنی گزیده‌اند، بخشی از آن‌ها در پایتخت چهار کشور مذکور و عده زیادی در کشورهای اروپایی زندگی می‌کنند (مهریوان، ۲۰۰۶: ۷۷). جمعیت کردها در جهان در حدود ۳۰ میلیون نفر برآورد می‌شود (ولی، ۲۰۰۵). کردهای ایران در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و ۱۵۹ روستای همدان ساکن هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

کردها در گذشته در یک سرزمین واحد و وابسته به امپراطوری ایران زندگی می‌کردند. در سال ۱۵۱۴ بخش بزرگی از آن‌ها از ایران جدا و به امپراطوری عثمانی سابق الحاق گشت. این بخش جدا گشته پس از جنگ جهانی اول و در سال ۱۹۲۰ مجدداً به دو بخش دیگر تقسیم شد بخشی به سوریه و بخشی به عراق ضمیمه گشت که به ترتیب تحت الحامیه کشورهای فرانسه و انگلستان بودند.

زبان کردی وابسته به زبان‌های ایرانی و از شاخه هندو اروپایی است. «تحقیقات زبان‌شناسی مشخص ساخته‌اند که زبان کردی منسوب به مجموعه‌ای از زبان‌های ایرانی است که شاخه‌ای از زبان‌های هند و اروپایی است و زبان‌های کردی، فارسی، افغانی و تاجیک را در بر می‌گیرد» (خلیقی، ۱۹۹۲: ۲۵۸). استفاده از زبان کردی بطور رسمی در مدارس عراق به زمان تشکیل این کشور بر می‌گردد. به همین خاطر زبان کردی در کردستان عراق رشد و نمو قابل توجهی داشته است. در ایران گرچه در قانون اساسی کاربرد زبان اقلیت‌ها به رسمیت شناخته شده است اما این زبان در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس نمی‌شود. وضعیت ادبیات کردی در ترکیه تا سال‌های کنونی رضایت بخش نبوده، اما این روند در سال‌های اخیر تغییر کرده است. در سال ۱۳۸۸ در ترکیه بیش از سیزده انتشارات کردی مجوز گرفته‌اند و وزارت علوم ترکیه تدریس زبان کردی در دانشگاه به رسمیت شناخته است. کردهای سوریه بیشتر فعالیت‌های ادبی خود را از طریق انتشارات کشور لبنان به انجام می‌رسانند. زبان و ادبیات کردی پیشتر در روسیه و ارمنستان اما امروزه در فرانسه و آمریکا و سوئد تا سطوح دکتری آموزش داده می‌شود. دانشگاه‌های متعددی از جمله دانشگاه آکزتر در لندن مرکزی برای مطالعات کردی باز نموده است که دانشجویان در سطوح تحصیلات تکمیلی در آن مشغول تحصیل هستند.

از نظر مذهبی کردها اغلب سنی بوده اما در کردستان اقلیت‌هایی شیعه، مسیحی، یهودی، زرتشتی، علی‌اللهی و ایزدی هم وجود دارند. بخشی عظیمی از ادبیات

کلاسیک کردی بر خاسته از نهاد مسجد و حاصل تلاش روحانیون و طلبه‌های خوش ذوق بوده است. زبان کردی دارای لهجه‌ها و زیر لهجه‌های متعددی است و در مورد تقسیم‌بندی آن میان صاحب نظران اختلاف عقیده وجود دارد. فوادحه لهجه‌های مختلف زبان کردی را پس از نقد سایر دیدگاهها بدین شیوه تقسیم‌بندی می‌کند:

- ۱- لهجه کرمانجی شمالی (بایزیدی، همکاری، بوتانی، شم‌دینانی، به‌دینانی)
- ۲- لهجه میانه؛ مکر، سورانی، اردلانی، سلیمانی، گرمیانی
- ۳- لهجه جنوب؛ لری^۱، بختیاری، ممسنی، کلهر...
- ۴- گوران؛ گوران اصل، اورامی، باجلانی، زازا (فواد، ۱۹۸۵: ۴۰).

علاوه بر پراکنده‌گی لهجه و گویش‌های زبان کردی رسم الخط آن هم یکسان نیست. کردهای ساکن ایران و عراق از الفبای عربی و کردهای ترکیه از الفبای لاتین کمک می‌گیرند (اوزون، ۲۰۰۳: ۳۷) و کردهای که در ارمنستان و سایر جمهوری سابق شوروی سکنی گزیده اند از الفبای سیرلیک. بیان این چندگونگی و تفاوت‌ها قطعاً بر ادبیات قوم‌گرد تأثیر ژرف گذاشته است بطوری که این پیش‌زمینه‌ها و زندگی در شرایط مختلف ادبیات بسیار متفاوت و متنوعی در کردستان به وجود آورده است. اتفاقی نیست که هیچ‌نظر واحدی در مورد تاریخ ادبیات کرد مورد قبول صاحب نظران این بخش واقع نشده است. علاءالدین سجادی در کتاب تاریخ ادبیات کردی آن را به سه دوره تقسیم می‌کند از جمله:

- ۱- ادبیات قدیم داستان از آغاز دوران اسلامی
- ۲- از ابتدای قرن هفتم میلادی تا قرن ۱۷ میلادی
- ۳- از قرن ۱۷ تاکنون (سجادی، ۱۳۶۱: ۷۰).

بختیار سجادی در تقسیم‌بندی تاریخ ادبیات کردی ضمن نقد تقسیم‌بندیهای تاریخی (دیاکرونیک) از یک تقسیم‌بندی دوره‌ای یاد می‌کند و آنرا به پنج دوره اردلان‌ها، بابان‌ها، خالدی‌ها، ادبیات قرن نوزده و اوایل سده بیست و قرن بیست تقسیم‌بندی می‌کند. محمد اوزن رمان‌نویس و محقق معاصر و متوفی کرد از تقسیم‌بندی ایالتی این ادبیات دفاع می‌کند از نظر او این دوران‌ها عبارتند از:

- ۱- مکتب کرمانجی شمال دوران جزیره بوتان که با شاعرانی چون علی حریری

۱- محقق برجسته اسکندر امان‌اللهی بهاروند "لری" را وابسته به زبان کردی نمی‌داند.

(۱۴۹۰-۱۴۲۵)، ملا احمد باقی (۱۴۹۵-۱۴۱۴) ملا جزیری (۱۶۴۰-۱۵۷۰)، فقی طیران (۱۶۶۰-۱۵۹۰) و احمدخانی (۱۷۷۰-۱۶۵۱).

۲- مکتب کرمانجی زیرین یا سورانی به رهبری نالی (۱۸۵۵-۱۷۹۷)، سالم (۱۸۶۶-۱۸۰۰)، کردی (۱۸۴۹-۱۸۰۳) حاجی قادر (۱۸۹۷-۱۸۱۷)، شیخ رضا طالبانی (۱۹۱۰-۱۸۳۶) وفایی (۱۸۹۲-۱۸۳۶) ادب (۱۹۱۷-۱۸۶۲)، محوی (۱۹۰۹-۱۸۳۰).

۳- مکتب اردلان که نقشی بسزرا را در توسعه این ادبیات داشت و زبان ادبی آن اورامی بود، بصرانی (۱۷۰۲-۱۶۳۱) خانانی قبادی (۱۷۵۹-۱۷۰۰)، مولوی (۱۸۸۲-۱۸۰۶) (اوزون، ۲۰۰۳: ۲۳).

این تقسیم‌بندی اگر قابل دفاع هم باشد ولی به آن ایراد جدی وارد است. اما در این شرایط نمی‌توان حکم کلی درباره این تقسیم‌بندی صادر کرد لیکن فراتر از هر نوع تقسیم‌بندی این ادبیات دارای دو بخش شفاهی و ادبی است که تاکنون مطالعه دقیق و گسترده‌ای در مورد هیچ کدام از آن‌ها انجام نشده است. بخش نوشتاری ادبیات کردی اکثراً در قالب شعر بیان شده است. کدکنی در یک تقسیم‌بندی استادانه شعر اجتماعی در قالب چهار گونه شعر حماسی، غنایی، نهایشی و تعلیمی دسته‌بندی می‌کند. شعر حماسی نوعی شعر داستانی است که جنبه آفاقی دارد و هنرمند از خود تعریف نمی‌کند. شعر غنایی حاصل لبریزی احساسات شخصی است و محور آن من شاعر است. شعر نهایشی قدرت در نظم و سرعت در تصویرگری حوادث است. شعر تعلیمی در واقع محتوی آموزشی دارد (کدکنی، ۱۳۸۷: ۲۳).

۳- اجتماعیات در ادبیات کُردی

شعر کردی را می‌توان در دو بخش کلاسیک و نو معرفی کرد، غیر از «خانگی» و «حاجی قادر» که شعر حماسی سروده‌اند، قالب شعر اکثریت ادبیات کلاسیک غزل و محتوی آن غنایی است. بزرگترین شاعران کلاسیک کرد خانگی و نالی و محوی و مولوی و از نو پردازان می‌توان گوران، شیرکو، په‌شیو، جلال ملک‌شاه، انور قادر محمد، رفیق صابر و لطیف هلمت را نام برد. مولوی، محوی و جریری مشهورترین شاعران تصوف کردی هستند. شیخ رضا طالبانی که به چهار زبان فارسی، کردی، عربی و ترکی شعر هجو آمیز سروده است در نوع شاعری نامی و سر آمد است

(تاله‌بانی، ۲۰۰۳). غیر از ژانر شعر، ادبیات کردی در سالهای اخیر در ابعاد رمان و تئاتر هم رشد قابل توجهی داشته است. از رمان نویس‌های مشهور محمد اوزون، محمود باکسی، حسین عارف، محمد مگری، بختیار علی و عطا نهایی را می‌توان برشمرد اما هر نوع تقسیم‌بندی در حوزه ادبیات شفاهی کاری بس مشکل است. واسیلی نیکیتین می‌گوید «آنچه در مطالعه ادبیات کردی آدم را شگفت زده می‌کند رشد بیش از حد فولکلور آن است» (نیکیتین، ۱۳۶۳: ۴۹۸).

شیخ عبدالوحید می‌نویسد: «پیش از پانصد سال است که کتاب‌های کردی در تصوف، قصص و ترانه‌های فولکلوریک به رشته تحریر در آمده است» (عبدالواحد، ۱۳۷۸). دامنه این فولکلور هم بسیار فراخ و گونه‌های مختلفی ادب شفاهی مثل ترانه‌های مذهبی و عاشقانه و ترانه‌های کار و جنگ و قصص و ضرب‌المثل‌ها در بطن دارد و خود کارهای دیگری می‌طلبند (محمدزاده، ۱۳۸۵). آن‌چه که مسلم است این است که شعرا و دانشمندان در طی قرن‌ها شعر و داستان و کتاب‌هاب خود را به فارسی و عربی و ترکی نوشته‌اند. بسام کرد اولین شاعر کردی است که به فارسی شعر سروده است و در سال ۲۶۵ ه. ش وفات یافته است (خلیقی، ۱۹۹۲: ۲۸۴). اگر در هر یک از انواع ادبی، نثر به طور کلی دیرتر از شعر به وجود می‌آید (کدکنی، ۱۳۸۷، ۱۸). این امر در مورد ادبیات کردی صادق بوده و شعر در آن قبل از رمان و داستان کوتاه به وجود آمده است (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۲۰۴). حیرت سجادی می‌نویسد «خطه کردستان زمانی دارالعلم بوده اساتید برجسته و نام‌آوری در انواع علوم قدیمه ظهور نمودند که اغلب کتاب‌ها و اثرات سودمندی از آن‌ها بر جای مانده است و کتب رجال مخصوصا و فیات الاعیان ابن خلکان از آنان به خوبی یاد نموده است» (مدرس، ۱۳۶۳: ۱۴).

علیرغم این نوسانات، شعر کردی سابقه چند قرنی، روزنامه کردی سابقه ای بیش از ۱۰۰ سال دارد^۱ و سابقه رمان کردی هم نزدیک به یک قرن می‌رسد (خزنه دار، ۲۰۱۰، اوزون، ۲۰۰۳، بوره‌که‌یی، ۱۳۷۰). این مجموع کار در برگیرنده صدها اثر چاپ شده است و بررسی آن‌ها زمان و هزینه و نیروی انسانی زیادی می‌خواهد و این امر از عهده این مقاله خارج است.

در هر کار تحقیقی محقق لازم است موضوع مورد مطالعه را در ابعاد زمانی،

مکانی و موضوعی تحدید کند. به علت حجم عظیم ادبیات کتبی و شفاهی (اغلب شعر)، محقق لازم دید موضوع را به اجتماعات در ادبیات، و آن را به بخشی از این ادبیات که مربوط به کردستان ایران است محدود کند. بدین خاطر حوزه مطالعه به سه اثر در شعر کلاسیک و سه اثر در مورد ادب عامیانه، محدود شدند، در بخش ادب عامیانه و شفاهی به بررسی اجتماعات در ادبیات در سه کتاب «کافی مرادان»، «ژانه ژین» و «تحفه مظفریه» می‌پردازیم و در بخش شعر به بررسی مختصر اجتماعات در ادبیات در شعر محمد امین شیخ الاسلامی (همین)، قانع و سواره ایلخانی زاده، بسنده خواهیم کرد. دلیل انتخاب کتب شفاهی تعداد کم این نوع چاپ‌ها و دلیل انتخاب سایر شعرا وجود وافر شعر اجتماعی آنها بوده است.

وقایعی که در ادبیات بازتاب می‌یابند آن‌هایی هستند که از نظر اجتماعی دارای اهمیت آن چنانی هستند که لازم است بازتابی شوند تا در حافظه‌ها مانده و جزو خاطرات یک جامعه باقی بمانند. زبان که یک فراورده اجتماعی و بازتاب روح و حیات یک جامعه است فقط نقشی ارتباطی در این میان ندارد. اگر اسکیموها در نواحی شمالی کانادا زندگی می‌کنند و برای حالت‌های مختلف باریدن برف اسم‌های زیادی دارند و اعراب برای نام‌گذاری شمشیر زبان‌شان این چنین تواناست (Nolan&Linski, 1999:33) زبان کردی در نام‌گذاری بخش‌های مربوط به آب و هوا، نام‌گذاری صدهای مختلف برای سنگ و چوب و گلوله و صدای حیوانات مختلف، نام‌گذاری عمل جنسی برای انسان و حیوانات، و نام‌گذاری سیر تکاملی حیوانات اهلی در حاداعجاب‌انگیزی غنی است. این امر نشان‌دهنده محیط کوهستانی و شیوه‌های شایع زندگی مثل دامپروری و کشاورزی در میان جامعه کردی در گذشته بوده است. بلافاصله بایستی اضافه کرد که سابقه شهرنشینی در کردستان کم‌رنگ نیست و امروزه جامعه کردی یک جامعه شهری است.^۱ اجتماعات در ادبیات تنها بازتاب شیوه معیشت نیست، بلکه بازتاب هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، سنن، آداب و رسوم، مراسم‌های زندگی اعم از تولد و عروسی و شیون و مرگ، جنگ‌های قبیله‌ای و تاریخی، قشربندی اجتماعی، شیوه‌های مالکیت بر زمین، محصولات مختلف کشاورزی، حوادث طبیعی و... که در ادبیات بازتاب

۱- جامعه شهری به جامعه ای گفته می‌شود که بیش از ۵۰ درصد از جمعیت آن در شهر زندگی می‌کنند. برای اطلاع بیشتر به مقاله مایکل روزنبرگ تحت عنوان کرد و شهر در مجله نویسا، شماره ۲ تابستان ۱۳۸۳ مراجعه شود.

می‌یابند می‌تواند موضوع کار تحقیق باشد. این امر محقق را با حجمی از کار روبرو می‌سازد که گزینش متون به حدی مشکل و مسئولیت‌ساز می‌شود که ممکن است او را وادار به واگذاشتن کار کند.

الف) بررسی اجتماعات در ادب عامیانه

یکی از کتاب‌های که بخشی از موضوعات اجتماعی در آن انعکاس یافته کتاب «کانی مرادان» است که توسط محقق صلاح پایانی به چاپ رسیده است. او از طریق مصاحبه، ترانه‌ها و نواها را ضبط و آن را بصورت کتاب در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسانیده است. این کتاب راوی، آوازه‌های مردان و زنانی است که شعر و چکامه‌های را مربوط به صلح و جنگ و شیوه معیشت مردم و بی‌وفایی روزگار گفته‌اند، بررسی جزء به جزء این کتاب خارج از حوصله این مجال است و در این قسمت تنها به چند شعر می‌پردازیم که در یکی از آن‌ها به موضوعی تاریخی اشاره دارد که در نگاه اول غریب می‌نماید و آن بحث تجدد آمرانه رضاشاه در آن انعکاس یافته است.

نیزام نیزام پیدا بوو خۆزگه‌م به وانه‌ی پیرن
به سه‌ربازیان نووسیوم ده‌مبه‌ن بۆ قه‌سه‌ر شیرین

(پایانی، ۱۳۸۳: ۹۴).

«شایعه نظام، نظام بر زبان‌ها جاری است، ای کاش مردی سالمند بودم، چرا که من را جهت سربازی نام نویسی کرده‌اند و من را به «قصر شیرین» اعزام خواهند نمود».

این شعر اشاره به ایجاد سیستم ارتش جدید در ایران دارد که جوانان را جهت سربازی که در آن زمان اجباری نام داشت به پادگان‌ها اعزام می‌کنند که در آن موقع یکی از پادگانها در قصر شیرین بوده است، از آنجا که سربازی رفتن اختیاری نبود جوانان را در هر کوی و برزن می‌گرفتند و به پادگان اعزام می‌کردند. این سیستم نوین آموزشی همراه با پوشیدن کلاه پهلوی و لباس رسمی بود که در شعر دیگری اینگونه انعکاس یافته است.

له‌خه‌یابانی شاری له‌کووچان رپیم که رپیم که
... .. "په‌هله‌وی" ده‌لی شه‌پکه له‌سه‌رکه

(پایانی، ۱۳۸۳: ۹۸).

« خیابانهای شهر، در کوچه پناهم ده، پناه/ لعنت بر پهلوی باد،/ اوست می گوید کلاه پهلوی بر سر بگذار.»

ستم و استبداد رضاشاه همگانی می شود و این استبداد این بار در لای لای مادران بازتاب می یابد.

لایی لاییت بو ده کم به دل و به گیان
خوا بتپاریزی له به لای ره زاخان

(پایانیانی، ۱۳۸۳: ۱۳۸)

«از ته دل و جان برای تو لای لای می خوانم/ خداوند ترا از بلای رضاخان محفوظ بدارد.»

می دانیم همراه با استبداد، نظم هم شکوفا می گردد، در شعری عاشقانه این نظم استبدادی به زیبایی انعکاس یافته است.

له ژیلا هاتی بالت پراوه شانده
وهک "ئه علاحه زرهت" دونیات دامه زرانده

(پایانیانی، ۱۳۸۳: ۶۵)

«زان دور دست ها که شتابان آمدی و دست تکان دادی/ چونان اعلیحضرت، نظم برقرار نمودی!»

ژانه ژین (که ریزی، سلیمی، ۱۳۸۷): این کتاب مجموعه ای از لایایی های مادران در نقاط مختلف کردستان ایران است. در این لایایی ها آرزوی مادران آرزوی یک مادر در یک جامعه پر محنت و مرد سالار پر از رنج و اضطراب است. دعاها و طلب کمک از خداوند و ملائک برای درمان دردهای صعب العلاج، در امان بودن پدر، عمو و دایی هاست. دعا برای نجات کودک از تب عفونت و بیم گرگ نمایان است. نهادهای به کار رفته در این ترانه ها اجتماعی و جامعه شناختی هستند. تب نشانه بیماری عفونی است چرا در یک جامعه فقیر و در حاشیه مانده، تب و عفونت امری قابل انتظار است. گرگ نشانه زندگی در منطقه کوهستانی است. در میان باورهای عامیانه کردها گرگ حیوانی ترسناک است و تنها حیوانی است که تنها از سرو صدا رم نمی کند بلکه به سوی آن می شتابد. در عین حال دعاها نشان دهنده ناتوانی ساختاری زن در تقابل با محیط است. اهمیت پدر، عمو و دایی ها به سادگی نشانی از زندگی پدر سالاری و یا مادر سالاری نیست. چراکه در مادر سالاری

دائی‌ها اهمیت پیدا می‌کنند. این امر نشانه نقش حمایتی و سپر بلا بودن مردان در قبایل نامالییات زندگی است.

یا سولتانی مال لهو قهد و به‌رزه
کۆرپه‌که‌م نه‌گری قهت تهب و له‌رزه

(کهریزی، سلیمی، ۱۳۸۷: ۵۷)

«ای سلطانی که بر بلندا منزل داری، فرزندم را از تب و لرز برهان».

گورگانه شه‌وی، گورگانه شه‌وی به‌رخه بچکۆله‌که‌م خه‌وی لی‌ که‌وی

(کهریزی، سلیمی، ۱۳۸۷: ۷۰).

ترجمه / شب‌گرگی، شب‌گرگی است، نازنین کوچولوی من لا کن.

تخفه مظفریه: این کتاب توسط محقق آلمانی اسکارمان تهیه شده و به زبان فارسی ترجمه شده و چون تحقیق در زمان مظفرالدین شاه به پایان رسیده است، آنرا تحت تخفه مظفریه به مظفرالدین شاه قاجار تقدیم نموده است. این کتاب در برگیرنده چندین «بیت» است که به موضوعات دینی و اجتماعی مختلفی می‌پردازد. بیت داستانهای که توسط شعر بیان شده‌اند اما شعرها دارای وزن خاصی هستند و در مناطق خاصی در کردستان شایع‌اند که امروزه در آذربایجان غربی، تحت عنوان «مُکری» شناخته می‌شوند.

اهمیت کتاب را نمی‌توان در چند صفحه خلاصه کرد، محقق آلمانی دو سال مشغول مصاحبه با افرادی بوده است که این شعرها را از در سینه‌ها حفظ کرده بوده‌اند. بیت‌ها مشتمل بر داستانهای جنگی، تاریخی و ماجراهای عاشقانه هستند، لغات بکار گرفته در آنها اسم مکان‌ها، ادوات و وسایل قدیمی در آن بازتاب یافته است. یکی از داستانهایی که در این کتاب بازتاب یافته است داستانی مربوط به دوران صفویه، یکی از حاکمان منطقه تحت عنوان «ابراهیم» قلعه‌ای می‌سازد و آنرا بر کوهی بلند بنا می‌هد، شیوه ساختن قلعه، شیوه تهیه آب قلعه، بناسازی آن و در نهایت درگیری سرداران صفوی با ابراهیم خان و شیوه گلوله باران قلعه و اسم توپ‌های جنگی قدیمی تحت عنوان «بالمیز» شیوه تقسیم کار جنگی، نقش زنان و سلاح‌های جنگی آمده است.

در این جنگ شاه اسماعیل از طریق نیروهای خود در منطقه به قلعه حمله می‌کند و آنرا به توپ می‌بندد، اسم توپ‌ها به کار گرفته شده در این نبرد «اصفهان‌ی، افشاری

و بالمیز « بوده است. نمونه زیر را بنگرید

دم دم به‌ردی مه‌یدانی، لئی دهن توپی ئیسفه‌هانی
تۆز گرتی به‌ری ئاسمانی مه‌رد چاک تیدا، ده‌گرن ماننی

(ئوسکارمان، ۱۳۶۴: ۲۰۷).

قلعه «دمدم» از سنگ بنا شده است، آن را با توپ اصفهانی در هم می‌کوبند، گرد و خاک آسمان را تاریک نموده است، مردان در آن در کمین‌اند».

ب) بخش نوشتاری

هیمن مشهورترین و نازک‌بین‌ترین شاعر معاصر کردستان ایران است. شعر هیچ شاعری به اندازه شعرهای او به ترانه تبدیل نشده‌اند، برای او مجسمه ساخته‌اند و برایش کنگره گرفته‌اند. «هیمن» به معنای فنی کلمه شاعری تصویر پرداز و زیبایی شناس است. جامعه‌شناسی احساس^۱، زیبایی، خانواده، اهمیت سرزمین و فاصله آرزوها و واقعیت و موانع ساختاری آرزوها از نمودهای اجتماعی در شعر هیمن است. یکی از کتاب‌های برجسته هیمن «ناله جدایی» است که مانیفست زندگی هیمن و دنیایی رمانتیک او است، هیمن شاعری عدالت خواه است، عدالت خواه نه به معنای سوسیالیستی، دفاع از مظلوم بدون تحلیل طبقاتی، دفاع از زنان، دفاع از روستایی در مقابل شهری، دفاع از دهقان در مقابل خان در شعرهای او موج می‌زند، اجتماعیات در ادبیات استاد هیمن بسیار گسترده و چشم‌گیر است اما در این مجمل به یکی از نمودهای آن می‌پردازیم که رابطه و پیوستگی زندگی اجتماعی تأکید می‌کند و تنهایی و دوری و غربت و فاصله از اجتماع و ارزش‌های آن را عامل تنهایی و بدبختی و انحراف می‌داند. دورکیم جامعه‌شناسی است که شاکله بحث او توجه به نظم و انسجام اجتماعی است، از نظر این جامعه‌شناس عامل انحراف اجتماعی ناشی از شدت و ضعف همبستگی فرد با زندگی اجتماعی است.

جا که سه‌رخۆش بووم به ده‌نگیکی نه‌وی
بوۆ ده‌لیم ئه‌و شیعه به‌رزه‌ی مه‌وله‌وی
بشنو از نی چون حکایت می‌کند
از جدایی‌ها شکایت می‌کند
نابی قهت ناله‌ی جودایی بی‌ئه‌سه‌ر

جا چ نهی بیک چ پیای دربه‌دهه
 بویه ناله‌م تیکه‌لی نهی کردووه
 شیوه‌نیکم پییه نهی نه‌یکردووه
 شیوه‌نی من شیوه‌نی ئینسانیه
 بانگی ئازادی و گرووی یه‌کسانیه

(هیمن، ۱۹۷۹: ۱۴)

ترجمه: «در آن هنگام که مست شدم با صدایی آرام و حزین / بریت می‌خوانم آن شعر وارسته «مولوی» را / بشنو از نی چون حکایت می‌کند / از جدائی‌ها شکایت می‌کند / ناله فراق هرگز بی اثر نخواهد ماند / این ناله چه از «نی» برخیزد یا از انسان «آواره» / بدین منظور ناله‌ام را بانی ترکیب نموده‌ام / شیونی دارم، نی از آن ناتوان بوده است / شیون من، شیون انسانیت است / غریو آزادی و بهانه یکسانی است».

یکی از مباحثی که در جامعه شناسی مورد مباحثه جدی و اکنونی است، بحث استفاده از تکنولوژی است، تکنولوژی از علم و نگاه علمی برمی‌خیزد که در خدمت انسان و آسایش اوست، اما این تکنولوژی همچنان که چیزهایی به زندگی انسان می‌بخشد چیزهای را از او می‌گیرد، یکی از سخت‌ترین جهت‌گیری‌ها نسبت به نقش‌تخریبی تکنولوژی در زندگی انسان توسط اعضاء مکتب فرانکفورت بیان شده است، هیمن در شعری شاعرانه از روابط منفی تکنولوژی و زیبایی می‌گوید:

له‌و ده‌مه‌ی را دل‌م لئیداووه بو ژوان من دیوانه‌ی چاوی جوانم، چاوی جوان
 گه‌رچی خه‌لکی ولاتی چاو جوانانم چاوی جوانم نه‌دی قه‌ت به چاوانم
 هه‌تا لاو بووم چاوی جوانم لی و ن بوو په‌چه و چارشئوم و پووبه‌ندم دوژمن بوو
 ئیستا که پیرم و که‌وتوومه‌ته ئاویلکه چاوی جوانم لی و ن ده‌کا چاویلکه
 (هیمن، ۱۹۷۹: ۹۲)

«از زمانی که دلم در طپش میعادگاه بوده است، من شیدای چشم‌های زیبا بوده‌ام، اما گرچه فرزند سرزمین زیبا چشم‌هایم، چشم زیبا را هرگز با چشم‌هایم رویت نکرده‌ام، تا زمانی که جوان بودم چشم زیبا از من پنهان بود، چرا که روسری و چادر مانع بودند، اکنون که پیر و پا در لب‌گور دارم، عینک‌ها چشم زیبا را از من پنهان می‌دارند».

انتقاد از زر و زور و تزویر، نقد بی‌امان روابط زمینداری، و صف زندگی روستایی و مبانی اخلاقی یک زندگی آرام جزو اصول زندگی اوست. او در یکی از شعر هایش بحث جابه‌جایی ارزش‌ها را این‌چنین بیان می‌کند:

به‌لام زیرت نه‌بی، سووکی نه‌گه‌ر تو
 بده‌ی ده‌رسی هه‌زاری وه‌ک شکسپیر
 «تو گر پول نداشته باشی، جایگاهی نداری، حتی اگر معلم شکسپیرها باشی».

در شعر معاصر کردی دفاعی جانانه از حقوق زنان می‌شود و به همین خاطر جامعه‌پدرسالار به چالش کشیده می‌شود:

ده‌رکی داخستوه له تو بابت که‌چی ده‌رکی نییه
 ده‌رکه داخستن له تو ده‌رکی هومید داخسته

ترجمه: «در را از تو بسته پدر بی‌درک / نمی‌داند در را بر تو بستن، در امید بستن

است».

دومین اثر از آن «قانع» است. قانع (۱۹۶۵-۱۸۹۸) بی‌شک شاعرترین، شاعر در ادبیات کردی نیست اما احتمالاً یکی از روشنفکرترین و آزاداندیش‌ترین آن‌هاست. یک روحانی نستوه و شجاع که از آداب و رسوم دست و پاگیر، ناهنجاریهای اجتماعی و طبقات سودجو را به باد انتقاد می‌گیرد و برای رسیدن به آزادی آماده است هر نوع هزینه‌ای را پرداخت کند. قانع جغرافیا، قشربندی جامعه، روابط طبقاتی جایگاه زنان، پارلمان را به شیوه واقع‌گرایانه به تصویر می‌کشد و نقد می‌کند، نقد او شیوخ محلی، ملاها، خان‌ها، اعضای پارلمان و منصوبین ملاک و حتی شکارچی کبوتر را به نقد و چالش می‌کشد. قانع به شیوه‌ای استثنا از حقوق برابر زنان دفاع می‌کند.

قانع به خاطر شفافیت در گفتار و نقد بی‌امان قدرت دوستان و دشمنان زیادی داشته و علی‌رغم اینکه وی یک مسلمان خداشناس بوده و در شعرهای متعدد به این امر اشاره نموده است (قانع، ۲۰۰۵). فرصت طلبان او را به کفر گویی متهم کرده‌اند، خود وی در شعری به این امر اشاره می‌کند.

به کوفری تی مه‌گه‌ن نه‌شعاری وردم هه‌مووی پهنه و دور و مه‌رجانه بو‌تان
 (قانع، ۲۰۰۵: ۵۱)

«اشعار عمیق من را کفر به شمار نیارید. / تمام شعرهایم، مثل در و مرجان است

برای شما».

در کردستان علاوه بر مذاهب شیعه و سنی، فرقه‌های نقشبندی و قادری هم

وجود دارد که پیروان آن‌ها به ترتیب خود را «درویش» و «صوفی» می‌نامند. گاهاً بعضی از مرشدان این فرقه‌ها، قرائت‌های سخت‌گیرانه‌ای از دین و زندگی دارند که با تغییر و نوآوری در زندگی در تضاد هستند. قانع در یکی از شعرهایش این خشک اندیشی را چنین به باد انتقاد می‌گیرد:

بی‌قه‌زا بی‌مامه «سوفی» تا کوو بی‌ریش پان‌ئه‌کا،
 قل به فل حالی بووه، چی ئیدبعای و یژدان ئه‌کا
 وا دراوسی که شفئی مانگ و رۆژ ئه‌که‌ن، ئیمه‌ش شوکور
 کاکه درویش وا خه‌ریکه، که شفئی دۆله‌ی نان ئه‌کا
 مامۆستا کانمان ئه‌لین زۆر سونه‌ته سواری به‌که‌ر
 هه‌ر که‌سی سواری به «فورد» کا، خۆی شه‌ریک شه‌یتان ئه‌کا

(قانع، ۲۰۰۵: ۷۴).

«عمو «سوفی» سلامت بادا، تاباندریش می‌گذارد/ «قل» را به فل فهمیده، اما از وجدان سخن می‌گوید/ همسایگان مشغول کشف خورشید و ماه هستند» منظور سفر یوری گاگارین، به کره به ماه است» شکر خدا ما هم درویش برادر، مشغول کشف جا «نانی» است. / پیشروان ما می‌گویند، سواری با خر سستی است بس دیرینه / هر کسی با ماشین «فورد» سفر کند، خود را شریک شیطان می‌گرداند». وقتی دانش تجربی تحت عنوان علم پا گرفت، عده‌ای آن را چون آئین جدید، دوران جدید نگریسته و نوعی پرستش و پیروی از آن را پیشه کردند، سیانیتسم یعنی علم‌گرای ایدئولوژی پوزیتیویستی بود که پیروان و مریدان زیادی داشت. غیر از منتقدانی مثل نیچه، ده‌ها سال طول کشید که ضرورت علم و عقل به چالش کشیده شود، قانع این منتقد هوشمند در شعر «همراه با علم» در چند شعر از علم استقبال می‌کند اما استقبال او نه کورکورانه و پرستش‌گرانه بلکه عقلانی و انتقادآمیز است، بنگرید چاکسی چلۆنی مه‌رحه‌با زانین بوؤ پیشکه‌وتنت هه‌زار ئافه‌رین باوهرم هه‌یه به سیدق و یه‌قین هه‌ر تو پیش ئه‌خه‌ی کۆمه‌لی بی‌تین شیره‌گه‌ر چه‌کت کرد به‌کاره‌با ئاسن و دارت وه‌ک که‌ر بار ئه‌با بی‌ته‌لت وشه‌شار و شار ئه‌با ئافه‌رین له‌تۆ زانین مه‌رحه‌با له‌دوو پارچه‌دار سنۆقی ئه‌که‌ی ده‌نگی رۆژه‌ه‌لات بوؤ مه‌غریب ئه‌به‌ی گه‌رچی جارجاریش زه‌ره‌ریش ئه‌ده‌ی مشته‌کۆل له‌ده‌م هه‌ژاران ئه‌ده‌ی

به لام ئەی زانین، لیم زویر مەبە
 ھەز ئە ھەم گەنج بی، ھەرگیز پیر مەبە
 ھەر تۆش ئەسبایی خوین پڕاندنی
 ھەر تۆش واسیتهی ژن قیژاندنی
 گشت خەتای تۆیە ئاهی دلی تەنگ
 گشت خەتای تۆیە لە پوووی گیتی جەنگ
 تۆ بیدەسەلات ئە گۆری لە دەنگ
 مالی خەلک ئەخۆن بە لوولە ی تەنگ
 تۆ سەر ئەرەستوو لیم دلگیر مەبە
 لابە خزمە تکار، شا و ھەزیر مەبە
 ھەر تۆش ئەسبایی میشک پڕاندنی
 ھەر تۆش واسیتهی خاک بیژاندنی
 قانع، ۲۰۰۵: ۱۸۴)

«دانش، چطورى، درود بر شما، برای پیشرفت و تلاش تو هزار آفرین، من اطمینان و یقین دارم فقط شما هستید که جوامع عقب افتاده را به پیش خواهی برد/ شما روغن کرچک را به برق ارتقاء دادی، آهن و چوب تو ماشین است که الاغ بار می کشد/ بی سیم تو پیغام را شهر به شهر می برد/ آفرین بر تو، هزار آفرین،/ از دو تخته چوب صندوق می سازی (تلویزیون)/ صدای شرق را به غرب می رسانی/ گرچه گه گاهی آسیب هم می رسانی/ و مشت بر دهان فقرا می کوبید/ اما ای دانش از من نگران نباش/ تو را به ارسطو قسم میدهم از من دلگیر مباش/ دوست دارم جوان بهانی و پیر نشوی به سوی ضعیفایا، شاه و وزیر مباش/ دانش تو اسباب خونریزی هم هست/ تو اسباب متلاشی شدن مغزها هم هستی/ تو علت و عامل غریبوزنان هستی/ تو علت، زمین های سوخته/ آه و ناله رنج دیدگان از توست/ عامل جنگ دو گیتی تو هستی/ تو بی قدرتان را غره می - سازی/ که ملک مردم را به زور می ستاند».

قانع شاعر طرفدار راستی و حقیقت است و هر مانعی را مد نظر دارد و نمی خواهد روح سرکش خود را خوار کند. او علیرغم این که یک زندگی فقیرانه ای افتخار آمیز داشته و می دانسته است اگر قلم را در راههای دیگر به کار گیرد در آمد بهتری با هزینه وجودی خواهد پرداخت. قانع می نویسد:

قەلەم ھۆشت لە سەرخۆ بی، نەنازی قەت بە دوو زمانی
 زمانت لالە لەم باسە، نەنووسی شەو کە تی جەبار

قانع، ۲۰۰۵: ۱۱۷)

«قلم هوشیار باش، در منافقی هرگز افتخاری نیست/ زبانت باید لال باشد و هرگز از شوکت جبار نگوید».

سومین اثر کتبی مربوط به شاعر «سواره» است. سواره یکی از عالی‌ترین شعرای معاصر و نوپرداز است. او متولد ۱۳۲۵ است که در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه تهران لیسانس حقوق می‌گیرد، شعرهای او به زبان‌های کردی و فارسی است، بخشی از شعرهای فارسی و کردی او در سال ۱۳۷۲ به چاپ رسیده است، که ما به بررسی اجتماعیات در آن می‌پردازیم. جامعه‌شناسی شهری یکی از رشته‌های تخصصی جامعه‌شناسی است که به بررسی الگوهای رفتاری در شهر می‌پردازد. مباحثات پیچیده و دامنه‌داری در مورد این حوزه در جریان است. به عنوان مثال یکی از تفاوت‌های که در میان زندگی شهر با روستا وجود دارد این است که در شهر رفتار بیشتر رسمی است و روابط صمیمی و چهره به چهره کاهش می‌یابد. در شهر رفتار عقلانی، اقتصادی‌تر شده و از شدت عواطف و احساسات در رفتارها کاسته می‌شود. این شیوه فکر و رفتار بدون هزینه هم نیست و مشکلات خاصی بدنبال دارد. یکی از جامعه‌شناسانی که به بررسی این شیوه رفتار پرداخته است گئورگ زیمل جامعه‌شناس آلمانی است. زیمل می‌گوید انسان‌ها در شهر با تقاضای زیادی روبرو می‌شوند آن‌ها بایستی به طور مرتب انتخاب کنند و از دست بدهند از آن‌جا که انسان‌های شهری با نیازهای زیادی روبرو هستند اما نمی‌توانند به همه آن‌ها پاسخ گویند دچار پدیده‌ای به نام «دلزدگی» می‌شوند. زیمل به همین خاطر شهر را یکی از عواملی می‌داند که انسان را از خود بیگانه می‌کند. حال ببینید که این دلزدگی و از خود بیگانگی در شعر سواره به زیبایی انعکاس یافته است.

گولم دلم پره له دورد و کولم نه‌لیم برۆم له شاره‌کته

نه‌لیم به جامی ناوی کانی‌اوی دینه‌کهم

عیلاجی کهم کولی دلی پریم له دوردی ئیتزاره‌کته

وه‌ره‌ز بوو گیانی من له شار و هاره‌هاری نهو

له رۆژی چلکنی نه‌خۆش و تاوو و یاوی نهو

نه‌لیم برۆم له شاره‌کته، له شاری له بهر چرای نیئون شه‌واره‌کته

برۆمه دی که مانگه‌شه‌و بزیتته ناو بزهم

چلۆن بزیم له شاره‌کته که پر به دل دژی گزهم

له شاره‌کته که ره‌مزی ناسن و مناره‌یه، مه‌لی نه‌وین غه‌واره‌یه

نه‌لیمی له دوروی ده‌ست و پیم نه‌وه‌ی که تیل و تان و راپه‌له که له‌پچه‌یه

ئوهی که پهیکه ره میسالی داوه له، ئه وهی که دارتینه، مهزه هری قه ناریه
 له شاره کهت که مهندی دوو که له
 که دپته دهر له مالی دهوله مه مند و تیشکی بی گوناھی خۆر ئه خاته به ند
 له ههر شه قام و کووچه یینک شه پۆری شینه دی به ره و دلّم
 دهستی گهرمی ئاشنا نییه که ئه یگوشم دهستی چنوییه
 له شاره کهت زه لیلله شیر باوی رپوییه
 به ههر نیگایینک و په تایینکا ئه لیم برۆم له شاره کهت
 گولم ههریمی زۆنگ و زه ل، چلۆن ئه بیته جار ه گول
 له شاری تو له بانی عهر شه قۆنده ره ی دراو
 شاره کهت، ئاسکه جوانه کهم، ته سکه بۆ ئه وین و بۆ خه فهت هه راو
 کئ له شاری تو له شاری قاتلی هه ژار، گوی ئه داته ئایه تی په راوی دل
 منی که گۆچی تاوی گهرمی بهر دهواری عه شیر ه تم
 به داره تهرمی کووچه ته نگه کانی شاره کهت رانه ها تووه له شم
 بناری پر به هاری دی رهنگی سوور و شین ئه دا، له شیر و عاتیفه ی گه شم
 ئه لیم برۆم له شاره کهت

(سواره، ۱۳۷۲، ۱۲۸).

«گل من / دلّم لبریز از رنج و محنت سرشارست / گویم کوچ کنم از دیار تو / گویم
 با آب چشمه ساران روستایم / علاج کنم التهاب درون را، از درد انتظار / گل من
 روح من از شهر و هیاهوی بسی خسته است / از روز کثیف بیماری و تب و تاب
 شبهایم / گویم بروم ز شهر تو / در آن شهری که چشم ها در درخشش چراغ
 نئون نابیناست / گویم به ده بروم که مهتاب بر لبخندم بنشیند / چه سان در شهر
 تو زندگی کنم / که با تمام وجود مخالف دوز دوزه بازی هستم؟ / شهر تو که... / از
 هر کوی و برزنی موج گریه به سویم روان است / دست گرم آشنا را نیست که می
 فشارم! / دستها چوبی است!

در شهر تو شیر در بند و روزگار باب روبه هان است / عزیزم / در سر زمین ظلم
 و مرداب / چه سان به غنچه گل خواهد نشست روزی / در شهر تو کفش ثروت بر
 جایگاه عرش است / شهر / آهوی نازنینم برای عشق کوچک و برای رنج بزرگ است».

۴- نتیجه‌گیری

ادبیات یکی از دانش‌های مادر است. امکان غور در آن زیاد است. ادبیات کردی بیشتر نانوخته و کمتر بازخوانی شده است. لذا بررسی اجتماعیات در ادبیات کردی کاری ساده نیست. جامعه‌ای با پراکندگی زیاد جغرافیایی و سیاسی، با حجم عظیمی از ادبیات فولکلوریک، وجود لهجه‌های مختلف، عدم دسترسی آسان به منابع مکتوب، نبود کارهای پایه‌ای و مبنا در این مورد از جمله این محدودیت‌ها هستند. اما می‌توان گفت این ادبیات مثل هر ادبیات دیگری بازتاب روح جمعی است. این ادبیات بازتاب طبیعت، عشق، کار و کوهستان و آینه ساده زندگی این جامعه بوده است. اما هر چه جامعه به پیش رفته است و تغییرات اجتماعی سریع‌تر گشته است، ادبیات و محتوی آن نیز متحول گشته است. ادبیات قدیم و کلاسیک کردی حاصل مساجد، روحانیون و حتی بخشی عظیم از آن حاصل محیط کشاورزی و دهقانی است. در این دوران شاعران بیش از هر چیز مشغول شعر غنایی بودند. هر چه زمان پیش رفته است ژانرهای ادبی بیشتر شده است و قشرهای بیشتری مشغول تولید ادبیات کردی شده‌اند. هر چند روحانیون و روحانی زاده‌گان در این گذار و تا کنون نقشی جدی و انکار ناپذیر داشته‌اند. با تغییر جامعه، قشربندی جامعه بیشتر شده است. غیر از ادبیات شفاهی که بازتاب شفاف افکار جامعه است و مربوط به قشر و طبقه خاصی نیست، تغییرات در آن بسیار چشمگیر نیست و غیر از ترانه‌های عروسی، گونه‌های مختلف فولکلور در حال نابودی است. اما قالب شعر کردی مثل محتوی آن عوض شده است. اگر وزن بخشی از ادبیات کلاسیک مثل مولوی و خانای قبادی پنج‌هجایی است، قالب شعر نالی و محوی و جزیری در اوزان عربی است. شعر سواره، نیایی و بخشی از شعر امروز کردی سفید است. با آمدن ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی ادبیات نوشتاری کردی نیز از این امر متأثر گشته است. با افزایش نابرابری و وجود آگاهی انتقاد از نابرابری و استبداد نیز افزایش یافته است. امروز در ادبیات کردی وجود طبقات اجتماعی، مشکلات و موانع تحرک زنان، حقوق کودکان و رنج‌های زندگی و نامالییات زندگی انعکاس بیشتری یافته است. در این سیر تاریخی زبان اهمیتی بیش از پیش یافته است و این امر ناشی از تحولات شدید اجتماعی و حساسیت مساله هویتی است. بر همین اساس پیش از هر چیز جمع‌آوری ادبیات شفاهی و پس از آن مطالعه اجتماعی این آثار بیش از هر

زمانی ضروری است.

منابع

الف) منابع فارسی

احمدزاده هاشم (۱۳۸۶)، *از رمان تا ملت*، ترجمه بختیار سجادی، سنندج: دانشگاه کردستان.

ارشاد فرهنگ (۱۳۹۱)، *کندوکاوی در جامعه‌شناسی ادبیات*، تهران: آگه.

اسکارپیت، پیتر (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: سمت.

امین زکی، محمد (۱۳۷۷)، *تحقیقی تاریخی*، درباره کرد و کردستان، ترجمه حبیب

الله تابانی، تبریز: آیدین.

حیرت سجادی، عبدالحمید (۱۳۷۵)، *شاعران کرد پارسی گوی*، سنندج: احسان.

حیرت سجادی، عبدالحمید (۱۳۶۴)، *گلزار شاعران کردستان (شامل آثار ۲۵۰*

شاعر) تهران: رامین.

سجادی بختیار (۱۳۶۱)، *حکایت تاریخ ادبیات کردی (تا اوایل جنگ جهانی*

اول)، طرح تحقیقاتی، سنندج: دانشگاه کردستان.

سرهنگ شیخ عبدالواحد (۱۳۷۸)، *کرد و سرزمین‌شان*، ترجمه صلاح‌الدین

عباسی، تهران: امان.

سلیمی و کهریزی (۱۳۸۷)، *ژانه ژین، لالایی مادران کرد*، تبریز: آنا.

شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۶)، *زمینه اجتماعی شعر فارسی*، نشر اختران،

تهران: زمانه.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

لوکاج گئورگ (۱۳۷۳)، *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*، ترجمه اکبر افسری،

تهران: علمی و فرهنگی.

محمدزاده حسین (۱۳۸۵)، *بررسی آواها و نواهای کار در استان کردستان*، طرح

تحقیقاتی برای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز سنندج.

مدرس، عبدالکریم (۱۳۶۹)، *دانشمندان کرد در خدمت علم و دین*، ترجمه احمد

حواری نسب، تهران: اطلاعات.

نیکتین، واسیلی (۱۳۶۳)، *کرد و کردستان بررسی جامع از دیدگاه سیاسی*،

جامعه شناسی و تاریخی، ترجمه محمد قاضی، تهران: کانون فرهنگی درایت. یوسفیان، جواد (۱۳۷۸)، *جزوه جامعه شناسی ادبیات*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

ب) منابع کردی

ئیلخانی زاده، سواره (۱۳۷۲)، *خه وه بهردینه، ارومیه: صلاح الدین ایوبی*.
 ئوسکارمان، تحفه مظفریه، ترجمه هیمن، ارومیه: صلاح الدین ایوبی.
 بۆره که بی، سدیق (۱۳۷۷)، *میژووی و یژه ی کوردی، I و II*، تبریز: چهر تبریز.
 پایانیانی، سه لاج، (۱۳۸۳)، *کانی مرادان، ارومیه: صلاح الدین ایوبی*.
 تاله بانی، شیخ رهزا (۲۰۰۳)، *دیوانی شیخ رهزا، ارومیه: صلاح الدین ایوبی*.
 همه خورشید، فوئاد (۱۹۸۵)، *زمانی کوردی، دابه شبوونی جوگرافیایی دیا ئلیکتته کان، بغداد: آفاق غریبه*.
 خلیفی، حوسینی (۱۹۹۲)، *کۆمه لناسی کورده واری، بهرگی یه که م، بغداد: الخوادث*.

سجادی، علاء الدین (۱۳۶۱)، *میژووی ئه ده بی کوردی، سردشت: معارف*.
 قانع، موحه مه د (۲۰۰۵)، *دیوانی قانع، کۆ کردنه وه ی بورهان قانع، تهران: پانیز*.
 مهربان، وریا (۲۰۰۶)، *ناسیونالیسم و سه فه ر، ره هه ند*.
 نالی، مه لاخلدری ئه همه دی شاه ویسی مکالیلی (۱۹۷۶)، *دیوانی نالی، تشریح مه لاخلدری موده رس و فاتح عبدالکریم، محمد مه لاکریم، به غدا: کۆری زانیاری کورد*.
 هیمن (۱۹۷۹)، *ناله ی جو دایی، ارومیه: صلاح الدین ایوبی*.

Uzun Mehmed (2003), *Antolojia Edebiyta Kurdi*, Istanbul: Aram.

ج) منابع لاتین

Nolan & Linski, G (1999). *Human society, Paradigm publisher, London: Boulder*.

Turner & Steta, J. (2005) *sociology of emotion*, Cambridge University press.

Van Bruinessen, M. (2005), "Kurdish Paths to nation.", SAQE, London Politics.